

مقدمه ناشر



«قَتْلُ الزُّهُورِ لَنْ يُؤَخِّرَ الرَّبِيعَ»

پرپر کردن شکوفه‌ها، بهار را به تأخیر نخواهد انداخت.

شاید شما عربی رو با قواعد سخت و طاقت‌فرساش می‌شناسید و منتظرید زودتر امتحان‌تونو بدید تا عربی رو ببوسید بذارید کنار (یا حتی نبوسیده بذارید کنار!) اما این سکه عربی یه روی دیگه هم داره. یه روی قشنگ، پر از شعرای دل‌انگیز، نثرای جذاب، عبارت‌های حکمت‌آمیز و ... دیوارنویسی هم یه نمونه از شیرین‌زبونی‌های نوین عربیه (که گاهی به زبان ادبیه، گاهی به زبان محاوره). واسه چیدن این شیرینی کافیه کلمه «جداریات» رو توی اینترنت سرچ کنید تا با کلی از این نوشته‌های پراحساس و تأثیرگذار مواجه بشید. مؤلفای کاردرستمون برای این کتاب حسابی زحمت کشیدن، سپاس از آقای جنانی و سروی عزیز. هم‌چنین تشکر می‌کنم از تیم خوب تألیف آقای امیرمحمد بیگی و خانم‌ها سیده مریم طاهری، زهرا جالینوسی و زهرا خردمند که با انرژی و توان، هوای این کتاب رو داشتن. و در آخرم تشکر می‌کنم از واحد تولیدمون که با حوصله این پروژه رو تموم کردن.

مقدمه مؤلفان

این جهان کوه است و فعل ما نِدا سوی ما آید نداها را صدا

امسال دیگه سال آخرتونه و قراره نتیجه زحمات دوازده ساله تون به بار بشینه. به خاطر همین ما و همه همکاران در انتشارات خیلی سبز همه تلاشمونو کردیم تا یک کتاب خوب و باکیفیت تقدیم شما دوستان همیشه همراه کنیم که در عین سادگی و روانی مطالب، همه نکات مورد نیاز درسی رو داشته باشه تا در طول سال تحصیلی و امتحانات پایان ترم بدون هیچ دغدغه‌ای از این کتاب استفاده کنید!

اما ویژگی‌های این کتاب:

- ۱- مرور قواعد متوسطه اول و سال‌های دهم و یازدهم جهت یادآوری
 - ۲- درس‌نامه‌هایی جامع، دقیق و روان به همراه نکات مورد نیاز
 - ۳- ارائه واژه‌نامه هر درس به صورت تفکیکی
 - ۴- ترجمه واژه به واژه متن دروس به همراه ترجمه روان آن‌ها
 - ۵- بررسی قواعد هر درس در متن همان درس و یادآوری برخی نکات ترجمه‌ای
 - ۶- ارائه واژگان مترادف، متضاد و جمع‌های مکسر در هر درس
 - ۷- پاسخ تشریحی و کامل همه تمرین‌ها و سؤالات کتاب درسی
 - ۸- نمونه سؤالات امتحانی و تمرینی در هر درس برگرفته از کتاب درسی، امتحان نهایی و تألیفی به همراه پاسخ‌های کاملاً تشریحی
 - ۹- خلاصه جامع درس‌نامه‌ها + مشاوره شب امتحان
 - ۱۰- ارائه ۶ نمونه امتحان به همراه پاسخ‌های تشریحی (۲ نمونه امتحان پایانی نیم‌سال اول + ۴ نمونه امتحان نهایی نیم‌سال دوم)
- از صمیم قلب از همه دوستان و همکارانمون در انتشارات خیلی سبز که در شکل‌گیری این کتاب زحمت کشیدن سپاس‌گزاریم. از آقایان دکتر ابودر نصری و دکتر کمیل نصری؛ مدیران کاربلد و خوش‌فکر انتشارات خیلی سبز و در واحد تألیف، آقای مهدی هاشمی و خانم‌ها سیده مریم طاهری و زهرا جالینوسی و همه دوستان سخت‌کوشمان در واحد تولید و ... بی‌صبرانه منتظر نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده تون هستیم!

سید محمدعلی جنانی - گودرز سروی

فهرست

۷

۱۱

مروری بر مهم ترین قواعد عربی متوسطه اول
مروری بر مهم ترین قواعد عربی پایه دهم و یازدهم

الدين و التدين

۲۳

۲۳

۲۷

۲۹

۳۵

۳۸

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَ التَّدِينُ
قواعد: مَعَانِي الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَ لَا النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ
واژگان
ترجمه
سؤال های امتحانی
پاسخ سؤال های امتحانی

۴۰

۴۰

۴۵

۴۶

۵۲

۵۵

الدَّرْسُ الثَّانِي: مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

قواعد: أَلْحَالُ

واژگان

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

مكة المكرمة و المدينة المنورة

الكتب طعام الفكر

۵۷

۵۷

۶۱

۶۲

۶۹

۷۴

الدَّرْسُ الثَّالِثُ: الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

قواعد: أَسْلُوبُ الْإِسْتِثْنَاءِ

واژگان

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۷۶

۷۶

۸۰

۸۲

۸۷

۹۱

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الْفَرَزْدَقُ

قواعد: الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ

واژگان

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

الفرزدق

۹۳

۹۶

خلاصه درسها
مشاوره شب امتحان

شماره صفحه پاسخ

شماره صفحه سوال

۹۹

۹۷

امتحان شماره (۱): نمونه امتحان نیم سال اول

۱۰۳

۱۰۱

امتحان شماره (۲): نمونه امتحان نیم سال اول

۱۰۷

۱۰۵

امتحان شماره (۳): نمونه امتحان نهایی نیم سال دوم - خردادماه ۱۴۰۱

۱۱۰

۱۰۸

امتحان شماره (۴): نمونه امتحان نهایی نیم سال دوم - خردادماه ۱۴۰۰

۱۱۳

۱۱۱

امتحان شماره (۵): نمونه امتحان نهایی نیم سال دوم - شهریورماه ۱۴۰۰

۱۱۶

۱۱۴

امتحان شماره (۶): نمونه امتحان نهایی نیم سال دوم - دی ماه ۱۴۰۰



مروری بر مهم ترین قواعد عربی متوسطه اول

اسم از نظر جنس

در عربی هر اسمی جنسیت دارد، یعنی یا «مذکر» است یا «مؤنث». اسم‌های مذکر معمولاً علامتی ندارند، ولی اسم‌های مؤنث علامت دارند و پرکاربردترین آن، داشتن «ة، ة» در آخر اسم است.

مثال: طالب ← مذکر / طالبة ← مؤنث

اسم از نظر تعداد

در عربی اسم‌ها از نظر تعداد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند و هیچ علامتی ندارد.

مثال: رَجُل: مرد / طالبة: دانش آموز

۲) **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و با افزودن علامت‌های «ان» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: رَجُل ← رَجُلَانِ / رَجُلَيْنِ (دو مرد)

۳) **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و خود به دو دسته «سالم» و «مکسر» تقسیم می‌شود:

الف) **جمع سالم** **مثال:** مُعَلِّم ← مُعَلِّمُونَ / مُعَلِّمَات (معلم‌ها)
۱- جمع سالم مذکر (جمع مذکر سالم): این جمع با افزودن علامت‌های «ون» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

۲- جمع سالم مؤنث (جمع مؤنث سالم): این جمع با افزودن «ات» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: مُعَلِّمَة ← مُعَلِّمَات (معلم‌ها) / سَلَال ← سَلَالَات (آبشارها)

ب) **جمع مکسر (شکسته):** در این نوع از جمع‌ها، شکل مفرد کلمه، «شکسته» شده و تغییر می‌کند. این نوع از جمع‌ها علامت خاصی ندارند و باید حفظ شوند.

مثال: تَلْمِیْذ ← تَلَامِیْذ (دانش آموزان) / عِیْرَة ← عِیْر (پندها)

نکته

برخی اسم‌ها با این که آخرشان «ات» دارد، جمع مؤنث سالم نیستند، بلکه «جمع مکسر» می‌باشند.

مثال: آبیات مفرد ← بیات مفرد / أضوات مفرد ← ضوت / أوقات مفرد ← وقت / أموات مفرد ← میت، میّت

اسم‌های اشاره

این اسم‌ها برای اشاره کردن به کسی یا چیزی به کار می‌روند و به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱) اشاره به نزدیک ۲) اشاره به دور.

در جدول مقابل با اسم‌های اشاره و معنای آن‌ها آشنا می‌شوید:

جمع	مثنی	مفرد	
هَؤُلَاءِ	هَٰذَانِ - هَٰذَيْنِ	هَٰذَا	اشاره به نزدیک
هَؤُلَاءِ	هَٰتَانِ - هَٰتَيْنِ	هَٰذِهِ	
این‌ها (اینان)	این دو	این	
أُولَٰئِكَ	-	ذَٰلِكَ	اشاره به دور
أُولَٰئِكَ	-	تَٰلِكَ	
آن‌ها (آنان)	-	آن	

حروف اصلی هر کلمه‌ای به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر، معیار و شاخص برای پی‌بردن به حروف اصلی یک کلمه، این سه حرف می‌باشند. به حروفی که علاوه بر حروف اصلی در یک کلمه به کار می‌روند، «حروف زائد» گفته می‌شود. برای درک بهتر مطلب، به جدول مقابل دقت کنید:

اِ	ش	تَ	خُ	فَ	اِ	ر	اِشْتِغَالَ
اِ	ش	تَ	فُ	عَ	اِ	ل	اِشْتِغَالَ

با توجه به معیار و شاخص سنجیدن وزن کلمات که همان «ف ع ل» است و تطبیق دو کلمه جدول فوق، درمی‌یابیم که سه حرف اصلی کلمه «اِشْتِغَالَ» که بر وزن «اِشْتِغَالَ» است، «غ ف ر» می‌باشد.

نکته

از آن‌جا که بیشتر کلمات در زبان عربی دارای وزن خاصی هستند، با توجه به سه حرف «ف ع ل» به راحتی می‌توان «وزن» کلمات را مشخص کرد.

به جدول تطبیقی مقابل دقت کنید:

کلمات	وزن (براساس سه حرف «ف ع ل»)
سامع، طالب، قاطع، حادث، ناظر، ضارب، عارف	فَاعِل
مطلوب، مغروف، منظور، مسموع، مکتوب، مقطوع، مضروب	مَفْعُول

مروری بر مهم‌ترین قواعد عربی پایه دهم و یازدهم

اعداد

با واژه و مفهوم عدد در فارسی کمابیش آشنایی داریم؛ عدد همراه اسم می‌آید و «شماره» یا «ترتیب» آن را بیان می‌کند. بر همین اساس، اعداد به دو گروه به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

الف) اعداد اصلی: اعداد «یک، دو، سه، چهار و ...» عدد اصلی به شمار می‌روند. اسمی که مورد شمارش قرار می‌گیرد «معدود» نام دارد که در فارسی همواره «مفرد» است، ولی در عربی می‌تواند «مثنی» یا «جمع» نیز باشد. در جدول مقابل با «اعداد اصلی» یک تا بیست آشنا می‌شویم:

اعداد اصلی (یک تا بیست)	
واحد (یک)	أَحَدٌ عَشَرَ (یازده)
اِثْنَانِ (دو)	اِثْنَا عَشَرَ (دوازده)
ثَلَاثَةٌ (سه)	ثَلَاثَةَ عَشَرَ (سیزده)
أَرْبَعَةٌ (چهار)	أَرْبَعَةَ عَشَرَ (چهارده)
خَمْسَةٌ (پنج)	خَمْسَةَ عَشَرَ (پانزده)
سِتَّةٌ (شش)	سِتَّةَ عَشَرَ (شانزده)
سَبْعَةٌ (هفت)	سَبْعَةَ عَشَرَ (هفده)
ثَمَانِيَةٌ (هشت)	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ (هجده)
تِسْعَةٌ (نه)	تِسْعَةَ عَشَرَ (نوزده)
عَشْرَةٌ (ده)	عِشْرُونَ (بیست)

نکته

معدود دو عدد «واحد: یک» و «اِثْنَانِ: دو» - برخلاف سایر اعداد - همواره قبل از عدد می‌آیند. ضمناً مؤنث «واحد» به صورت «واحدة» به کار می‌رود و واژه «اِثْنَانِ» به صورت «اِثْنَيْنِ» (برای مذکر) و «اِثْنَتَيْنِ» (برای مؤنث) نیز کاربرد دارد.

مثال: کتاب واحد: یک کتاب / سَيَّارَةٌ واحدة: یک خودرو / کتابانِ اِثْنَانِ: دو کتاب / سَيَّارَتَيْنِ اِثْنَتَيْنِ: دو خودرو

معدود

معدود

معدود

معدود

اعداد ترتیبی (یکم تا بیستم)	
الْأَوَّلُ (یکم)	الْأَحَدِي عَشَرَ (یازدهم)
الْثَّانِي (دوم)	الْثَّانِي عَشَرَ (دوازدهم)
الْثَّالِثُ (سوم)	الْثَّالِثَ عَشَرَ (سیزدهم)
الرَّابِعُ (چهارم)	الرَّابِعَ عَشَرَ (چهاردهم)
الْخَامِسُ (پنجم)	الْخَامِسَ عَشَرَ (پانزدهم)
الْسَّادِسُ (ششم)	الْسَّادِسَ عَشَرَ (شانزدهم)
السَّابِعُ (هفتم)	السَّابِعَ عَشَرَ (هفدهم)
الْثَّامِنُ (هشتم)	الْثَّامِنَ عَشَرَ (هجدهم)
التَّاسِعُ (نهم)	التَّاسِعَ عَشَرَ (نوزدهم)
الْعَاشِرُ (دهم)	الْعَاشِرُونَ (بیستم)

ب) اعداد ترتیبی: اعداد «اول، دوم، سوم، چهارم و ...» که برای بیان «ترتیب» به کار می‌روند، «اعداد ترتیبی» نامیده می‌شوند. در زبان فارسی این اعداد از «اعداد اصلی» ساخته می‌شود، به این ترتیب که به آخر آن‌ها «م» یا «مین» افزوده می‌شود.

در جدول مقابل با «اعداد ترتیبی» یکم تا بیستم آشنا می‌شویم:

فعل لازم و متعدی

فعلی که معنایش با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، «فعل لازم» نامیده می‌شود. به فعل لازم در زبان فارسی، «فعل ناگذر» گفته می‌شود.

مثال ۱: جَلَسَ الْمُعَلِّمُ عَلَى كُرْسِيِّهِ: معلم روی صندلی خود نشست.
فعل لازم فاعل فعل ناگذر

مثال ۲: تَرَجَّعَ الطَّالِبَةُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ظَهراً: دانش آموز ظهر از مدرسه برمی‌گردد.
فعل لازم فاعل فعل ناگذر

و به فعلی که معنایش با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، «فعل متعدی» گفته می‌شود. فعل متعدی در زبان فارسی، «فعل گذرا» نام دارد.

مثال ۱: يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ فِي مَرْزَعَتِهِ الْقَمْحَ: کشاورز در مزرعه خود، گندم را می‌کارد.
فعل متعدی فاعل مفعول

مثال ۲: فَتَحَتِ الْمُعَلِّمَةُ نَافِذَةَ الصَّفِّ: [خانم] معلم پنجره کلاس را باز کرد.
فعل متعدی فاعل مفعول

نکته: فعل کاملی که به ضمیری متصل شده باشد، حتماً متعدی (گذرا) است.

توجه: منظور از «فعل کامل» فعلی است که یا فاعلش «اسم ظاهر» باشد، یعنی فاعلش ضمیر نباشد و یا فاعلش به صورت «ضمیر فاعلی» به فعلش متصل شده باشد؛ مانند:

قَتَلْتُ -هُ: او را به قتل رساندم (کشتم).
فعل متعدی ضمیر فاعلی مفعول نشانه مفعولی
(فاعل)

مثال: قَتَلَهُ جُنْدِيٌّ: او را یک سرباز به قتل رساند.
فعل متعدی مفعول فاعل نشانه مفعولی
(اسم ظاهر)

جَزَّ و مجرور

در زبان فارسی به حروفی مانند «از، در، به، بر و ...» «حروف اضافه» و در زبان عربی «حروف جرّ» می‌گویند. حروف جرّ به حروف «مِنْ: از»، «فِي: در»، «إِلَى: به، به سوی»، «عَلَى: بر»، «بِ: به وسیله، در»، «لِ: برای، ...»، «عَنْ: از، درباره»، و «كَ: مانند» حروف جرّ می‌گویند. این حروف به همراه اسم پس از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. به حرف «جرّ» (جَزَّ) به همراه اسم پس از آن (مجرور به حرف جرّ)، «جَزَّ و مجرور» گفته می‌شود.

حرف جرّ + اسم / ضمیر ← جَزَّ و مجرور

مثال: مِنْ مَدْرَسَةٍ / فِي الْبَيْتِ / عَلَى الْوَالِدَيْنِ / لِبِهِ (= لِي + اللَّهُ)
حرف جرّ به حرف جرّ حرف جرّ به حرف جرّ حرف جرّ به حرف جرّ حرف جرّ به حرف جرّ
جَزَّ و مجرور جَزَّ و مجرور جَزَّ و مجرور جَزَّ و مجرور

مهم‌ترین معانی حروف جرّ:

مِنْ | از

مثال ۱: ... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ: «تا اتفاق کنید از آن چه دوست می‌دارید.» (مِمَّا = مِنْ + ما)

مثال ۲: ... أَسَاوِرَ مِنْ فِصَّةٍ: «دستبندهایی از [جنس] نقره»

مثال ۳: مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از این جا تا آن جا

فِي | در

مثال ۱: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً: «او کسی است که همه آن چه را در زمین است، برایتان آفرید.»

مثال ۲: النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ: رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) | به، به سوی، تا

مثال ۱: قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْماً أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ: گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»

مثال ۲: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى: «پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی حرکت داد.»

مثال ۳: كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ: کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.



آموزش قواعد و مفاهیم درس

معانی و کاربرد حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ

در این درس ابتدا با معانی حروف پُرکاربردِ مانند «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ و لَعَلَّ» آشنا می‌شوید که به این حروف، «حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ» گفته می‌شود و سپس با «لَاي نفي جنس» آشنا خواهید شد.
(اگره قوب دقت کنین، متوجه می‌شین که اون پوارتای اولی به «ن» فتم می‌شن و دو تای آفری با حرف «ل» شروع می‌شن! ضمناً هروف مشبّه همشون تشدید دارن غیر از «لَیْت». این ویژگی کمکتون می‌کنه بعضی از این هروف مشبّه رو با پیزای مشابه اشتباه نگیرین!)

برای راحتی کار، این حروف را به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

الف) حروف «إِنَّ»، «أَنَّ»، «كَأَنَّ» و «لَكِنَّ»

۱ «إِنَّ»: این حرف باعث «تأکید» کلّ جمله پس از خود می‌شود و به معنای «قطعاً»، «همانا»، «به درستی که»، «بی‌گمان» و ... است و همواره در ابتدای جمله به کار می‌رود. (یادتون باشه که این حرف رو با «إِنْ» شرطی به معنای «اگر» اشتباه نگیرین، چون «إِنْ» شرطی تشدید نداره، ولی این حرف تشدید داره! ضمناً یادتون باشه که منظور از به کار رفتن «إِنْ» در ابتدای جمله، لزوماً ابتدای یه سطر نیست!)

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ﴾ التَّحْل: ۹۰ «قطعاً خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد.»
(تو ترمه‌ه بالا، به پای «قطعاً» می‌تونین از معادل‌های دیگرس هم استفاده کنین؛ مثل «همانا»، «به درستی که» و «بی‌گمان»!)

به یک مثال دیگر نیز توجه کنید:

مثال: ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ التَّوْبَة: ۱۲۰ «بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»
۲ «أَنَّ»: این حرف از ادات ربط و به معنای «که» است و همواره دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. (مواستون کلاً به همه این هروف باشه؛ چون فیلی به هم شبیهون و ممکنه اونا رو با هم اشتباه بگیرین، این‌ها هم «أَنَّ» رو نباید با «أَنْ» ناصبه که اون هم به معنای «که» هست و قبل از فعل مضارع به کار می‌ره، اشتباه بگیرین!)

مثال: ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹ «گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.»
سمِعْتُ أَنَّ الطَّالِبَ مَرِيضٌ: شنیدم که آن دانش آموز، بیمار است.

توجه: «لَئِنْ»: به معنای «زیرا، برای این که» است و معمولاً در پاسخ به سؤال با کلمات پرسشی «لِمَاذَا، لِمَ؟ چرا؟ برای چه؟» به کار می‌رود.

مثال: لِمَاذَا مَا سَافَرْتَ بِالطَّائِرَةِ؟ «لَئِنْ بِطَاقَةِ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.» چرا با هواپیما سفر نکردی؟ «زیرا» بلیت هواپیما گران است.
۳ «كَأَنَّ»: این حرف به معنای «مانند» و «گوی» است و معمولاً برای «تشبیه» و «حدس و گمان» به کار می‌رود. (این‌جا هم باید خیلی دقت کنین که به وقت «كَأَنَّ» رو با «كَانَ» که از افعال ناقصه است، اشتباه نگیرین!)

مثال: ﴿كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ﴾ الرَّحْمَن: ۵۸ «آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند. (گوی آنان یاقوت و مرجان‌اند).»

ب «كَأَنَّ الشَّمْسُ كُرَّةٌ مُلْتَهَبَةٌ.» گویی خورشید، گره‌ای فروزان است.

ج «كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذَرُّ.» گویی خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

- ۴ «لَکِنَّ»: این حرف به معنای «ولی» و «امّا» است و برای «کامل کردن پیام» و «برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود» به کار می‌رود.
- مثال الف ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۴۳ ب «بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.»
- ب إِنَّ الْإِسْلَامَ دِینُ الْعِبَادَةِ وَالْعَمَلِ وَلَکِنَّ بَعْضَ الْمُسْلِمِینَ غَافِلُونَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ: ب به درستی که اسلام دین عبادت و کار است، ولی برخی از مسلمانان از این موضوع غافل‌اند.

حالاتوبگو

- صَغَ فِي الْفَرَاغِ کَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی یک کلمه مناسب قرار بده.)
- ۱- قُلْتُ لِأَمِیدَکَ: الْمُعَلِّمُ لَا یَأْتِی إِلَى الصَّفِّ غَدًا. (أَنْ - إِنْ - لِأَنَّ: (به دوستانم گفتم: همانا معلم فردا به کلاس نمی‌آید.)
- ب إِنْ [إِنَّ] به معنای «همانا، قطعاً و ...» در ابتدای جمله می‌آید و کل جمله پس از خود را تأکید می‌کند. «أَنْ: که، این‌که» هرگز در ابتدای جمله نمی‌آید و «لِأَنَّ: زیرا، چون» در پاسخ به سؤال «لماذا» یا «لِمَ» به معنای «چرا» به کار می‌رود.
- ۲- دَخَلَ الْأَعْمَبُونَ الْمَلْعَبَ: الْحَکَمَ لَمْ یَدْخُلْهُ حَتَّى الْآنَ. (إِنْ - أَنْ - لَکِنَّ: (بازیکنان وارد زمین بازی شدند، ولی داور تاکنون وارد آن نشده است.)
- ب لَکِنَّ [أَوْلاً: إِنْ] در وسط عبارت به کار نمی‌رود. ثانیاً: با توجه به معنای عبارت، «أَنْ: که» برای جای خالی مناسب نیست.
- ۳- الطَّائِرَةُ عُقَابٌ فِي الْفَضَاءِ. (لَکِنَّ - کَأَنَّ - أُنَّ: (گویی هواپیما عقابی در فضا است.)
- ب کَأَنَّ [أَنْ: که] و «لَکِنَّ: ولی» هیچ‌گاه در ابتدای جمله به کار نمی‌روند.
- ۴- أَعْلَمُ الْعِلْمُ نَافِعٌ. (إِنْ - أَنْ - کَأَنَّ: (می‌دانم که دانش سودمند است.)
- ب أَنْ [إِنَّ: قطعاً، همانا] در وسط جمله به کار نمی‌رود و «کَأَنَّ: گویی، مانند» معمولاً برای «تشبیه» به کار می‌رود که در این عبارت، معنای درستی ندارد.
- ۵- لِماذا لَمْ یَحْضَرْ زَمِیلُکَ فِي الصَّفِّ أَمْسٍ؟ کَانَ مَرِیضًا. (کَأَنَّه - لِأَنَّهُ - أَنَّهُ: (چرا هم‌شاگردی‌ات دیروز در کلاس حاضر نشد؟ زیرا او بیمار بود.)
- ب لِأَنَّهُ [در پاسخ به سؤال «لماذا: چرا»، از «لِأَنَّ: زیرا، چون» استفاده می‌کنیم.]

حروف «لَئِنْ» و «لَعَلَّ»

- ۱ «لَئِنْ»: این حرف به معنای «کاش» است و معمولاً بیانگر آرزوی دست‌نیافتنی و غیرممکن است که گاهی به صورت «یا لَئِنْ: ای کاش» نیز به کار می‌رود.
- مثال الف ﴿وَقَالَ الْکَافِرُ یَا لَئِینِی کُنْتُ ثَرِیًّا﴾ الْنَّبَا: ۴۰ ب «و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.»
- یا لَئِینِی = یا لَئِنْ + ن (نون وقایه) + ی
- ب لَئِنْ السَّيَّابُ یَعُودُ یَوْمًا: ب کاش جوانی، روزی برگردد.
- ۲ «لَعَلَّ» این حرف به معنای «شاید» و «امید است» به کار می‌رود. (از معنایش می‌شه فهمید که برعکس «لَئِنْ»، آرزوی با «لَعَلَّ» پندار هم دست‌نیافتنی و غیرممکن نیستش و به پورایی می‌شه بهوش دل بست!)
- مثال ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِیًّا لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الْزُحُف: ۳ ب «بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما خردورزی کنید.»

نکته

- ۱ حرف «لَعَلَّ» معمولاً برای «رَجَاء: امید» به کار می‌رود!
- ۲ دقت کنید که فعل مضارع که پس از «لَئِنْ» و «لَعَلَّ» می‌آید، در فارسی معمولاً به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود؛ یعنی:
- «لَئِنْ / لَعَلَّ» + فعل مضارع → فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی

مثال الف لَعَلَّ حَمِیداً یَسَافِرُ: شاید حمید سفر کند.
فعل مضارع مضارع التزامی

ب لَعَلَّ السَّلْمُ یَسْتَقِرُّ فِي الْعَالَمِ: شاید (امید است) صلح در جهان استقرار یابد.
فعل مضارع مضارع التزامی

ج لَئِنْ صَدِیقِی یَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ: کاش دوستم در مسابقه پیروز شود (بَرزنده شود).
فعل مضارع مضارع التزامی

د لَئِینِی أَشَاهِدُ جَمِیعَ مَدُنِ بِلَادِی: کاش همه شهرهای کشورم را ببینم.
فعل مضارع مضارع التزامی

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ (خودت را بیازمای)

- تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ. (این احادیث را براساس قواعد درس ترجمه کن.)
- ۱- لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هیچ خبری در گفتاری نیست، مگر همراه با کردار.
 - ۲- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.
 - ۳- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.
 - ۴- لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ هیچ فقری مانند نادانی [نیست] و هیچ میراثی مانند ادب نیست.
 - ۵- لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ هیچ بدی‌ای بدتر از دروغگویی نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ (خودت را بیازمای)

- إِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ. (جای خالی را در آن چه می‌آید، پُر کن. سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن.)
- ۱- «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...» ۱۰۸: الْأَنْعَامُ
 «و کسانی را که به غیر خدا فرامی‌خوانند، دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند.»
 لَا تَسُبُّوا: فعل نهی — چون نون آخر فعل مضارع حذف شده، پس «لا»، «لا»ی نهی است!
 - ۲- «وَلَا يَخْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» يُونُسُ: ۶۵
 «و گفتارشان تو را اندوهگین نکند؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.»
 لَا يَخْزُنْكَ = لَا يَخْزُنُ + كَ: فعل نهی — چون آخر فعل مضارع «ساکن» شده، پس «لا»، «لا»ی نهی است!
 - ۳- «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» الْأَنْعَامُ: ۹
 «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟»
 لَا يَعْلَمُونَ: «لا»ی نفی — چون آخر فعل مضارع (نوش رو حذف نکرده)، پس «لا»ی نفی است نه نهی!
 - ۴- «... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...» الْبَقَرَةُ: ۲۸۶
 «پروردگارا! آن چه توانش را نداریم بر ما تحمیل مکن.»
 لَا تَحْمِلْ: «لا»ی نهی — چون آخر فعل ساکن (مجزوم) شده، پس «لا»ی نهی است.
 لَا طَاقَةَ: «لا»ی نفی جنس — لا + اسم فتحه‌دار
 - ۵- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند.
 لَا يَرْحَمُ: «لا»ی نفی — چون آخر فعل مضارع رو تغییر نداده (ضمه داره)، پس «لا»ی نفی است، نه نهی!

واژگان

فعل

أَخْضَرَ: آوژد، حاضر کرد (مضارع: يُخْضِرُ / امر: أَخْضِرْ / مصدر: إِحْضَار)	تَهَامَسُوا: پیچ‌پیچ کردند (مضارع: يَتَهَامَسُونَ)
أَقِيمْ وَجْهَكَ: روی بیاور (فعل امر)	حَرَّقَ: سوزاند (مضارع: يُحَرِّقُ / امر: حَرِّقْ / مصدر: تَحْرِيق)
أَقَامَ: برپا داشت (مضارع: يُقِيمُ / مصدر: إِقَامَةٌ)	عَلَّقَ: آویخت (مضارع: يُعَلِّقُ / امر: عَلِّقْ / مصدر: تَعْلِيق)
أَنْقَذَ: نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ / امر: أَنْقِذْ / مصدر: إِنْقَاذ)	كَسَرَ: شکست (مضارع: يُكْسِرُ / امر: كَسِّرْ / مصدر: تَكْسِير)
بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ‌پیچ کردند	

اسم

الْأَصْنَامُ: بت‌ها «مفرد: الصنم»	السَّيْرَةُ: روش و کردار، سرگذشت
التَّجَنُّبُ: دوری کردن — مصدر (تَجَنَّبَ، يَتَجَنَّبُ)	الضَّرَاعُ: کشمکش
السُّدَى: بیهوده و پوچ	الْفَأْسُ: تبر (جمع: الفؤوس)
الشَّعَائِرُ: مراسم	الْكَيْفُ (الْكَيْفُ): شانه (جمع: الأكتاف)
الْقَرَابِين: قربانی‌ها (مفرد: القربان)	الْغُوشُ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها (مفرد: الغش)
الْحَنِيفُ: یکتاپرست (دین حنیف: دین راستین)	

فعل

أَعْنِي: مرا یاری کن (امر: أَعْنِ + نون وقایه + ضمیر «ی»)	حَمَلَ: تحمیل کرد (مضارع: يُحْمَلُ)
أَيَّز: روشن کن (امر / ماضی و مضارع: أَنَاَزَ - يُنْبِزُ)	خَذُوا: بگیرید (امر / ماضی و مضارع: أَخَذَ - يَأْخُذُ)
إِخْمِنِي: از من نگهداری کن (ماضی و مضارع: حَمَى - يَحْمِي)	عَقَلَ: خردورزی کرد (مضارع: يَغْفِلُ)
امر: إِحْمِ + نون وقایه + ضمیر «ی»	قِيلَ: گفته شد (ماضی مجهول از قَالَ)
تَأَكَّدَ: مطمئن شد (مضارع: يَتَأَكَّدُ)	كونوا: باشید (امر / ماضی و مضارع: كَانَ - يَكُونُ)
تَبِعَ: تعقیب کرد (مضارع: يَتَّبِعُ)	ما يلي: آن چه که می‌آید
تَمَنَّى: آرزو داشت (مضارع: يَتَمَنَّى)	

اسم

الأنشراح: شادمانی	الطین: گِل
الأنشودة: سرود (جمع: الأناشيد)	الْعَظَم: استخوان
الْبَسَمَات: لبخندها (مفرد: الْبَسْمَة)	الْعَصَب: پی
الْبَغْت: رستاخیز	الْفَرِيسَة: شکار
الْبَنِيَانُ الْمَرْصُوضُ: ساختمان استوار	قَم: دهان
الْحَفْظ: بخت، بهره (جمع: الحفظ)	الْقُرْآن: خواندن
الْخِدَاع: فریب	الْمُجِيب: برآورنده
الذَّار: خانه	الْمُفْسَدَة: مایه تباهی
سوی: به جز	الْمَكْسُور: شکسته
السلام: آشتی، صلح	

فِطْرِي	غَرِيزِي	شَعْب	قَوْم، أُمَّة	طَرِيقَة	أُسْلُوب
فطری، غریزی	غریزی و ذاتی	ملت	ملت، امت	روش	روش
الْإِنْسَان	الْمَرْء	كَسَب	اِكْتِسَاب، نَيْل	تَجَنَّب	اِجْتِنَاب
انسان	انسان	به دست آوردن	به دست آوردن	دوری کردن	دوری کردن
شَرَّ	سوء	يَدُلُّ (عَلَى)	يُشِيرُ (إِلَى)	حَدَّثَ	وَقَعَ
بدی	بدی	اشاره می‌کند (به)	اشاره می‌کند (به)	اتفاق افتاد	اتفاق افتاد
حَدَّثَ	تَكَلَّمَ	الْأَنْبِيَاء	الرُّسُل	الضَّرَاط	السَّبِيل، الطَّرِيق
سخن گفت	سخن گفت	پیامبران	پیامبران	راه	راه
جميع	كُل	حَاوَلَ	اِجْتَهَدَ	صِرَاع	نِزَاع
همه	همه	تلاش کرد	تلاش کرد	کشمکش، درگیری	کشمکش، درگیری
ظَنَّ	حَسِبَ	الْخَنِيف	الْمَوْحَد		
گمان کرد، پنداشت	گمان کرد، پنداشت	یکتاپرست	یکتاپرست		

مُشْرِكِينَ	مُؤْمِنِينَ	قَدِيمَة	جَدِيدَة، حَدِيثَة	رِضَا	غَضَب
مشرکان	مؤمنان	قدیمی، کهن، باستانی	جدید، نو	خرسندی	خشمگین شدن
عَرَفَ	جَهَلَ	زَجَعَ	ذَهَبَ	تَجَنَّبَ	تَقَرَّبَ
دانست	ندانست	برگشت	رفت	دوری کردن	نزدیکی جُستن
الضَّرَاع	الْسَّلَام				
درگیری	صلح و آشتی				

﴿... يَلَهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ آل عمران: ۹۷
حج خانه [خدا] بر مردم بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند، واجب الهی است.

مَكَّةُ الْمَكْرَمَةِ وَالْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ
مکّه مکرمه و مدینه منوره

مَكْرَمَةٌ و مُنَوَّرَةٌ: هر دو اسم مفعول
مکّه مکرمه و مدینه منوره

جَلَسَ: ماضی مجزّد	أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ	أَمَامَ	التَّلَافُزِ	وَ	هُمْ	يُشَاهِدُونَ	الْحُجَّاجَ	فِي	الْمَطَارِ
نشست (نشستند)	اعضای	خانواده	مقابل	تلویزیون	درحالی که	آنان	تماشا می کردند	حاجیان [را]	در
									فرودگاه

اعضای خانواده مقابل تلویزیون نشستند، در حالی که حاجیان را در فرودگاه تماشا می کردند.

نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدَيْهِ، فَ رَأَى دُمُوعَهُمَا تَسْقَاطُ مِنْ أَغْيُنَيْهِمَا.	نَظَرَ: ماضی مجزّد								
نگاه کرد	عارف	به	پدر و مادرش	و	دید	اشک هایشان	پی در پی می افتد	از	چشمانشان
حرف «ن» به دلیل مضاف شدن حذف شده است.									
عارف به پدر و مادرش نگاه کرد، و اشک هایشان را دید که از چشمانشان فرومی ریخت.									
تَسْقَاطُ: مضارع مزید از باب تفاعل									

فَ	سَأَلَ	عَارِفٌ	وَالِدَهُ	مُتَعَجِّبًا:	يَا	أَبِي،	لِمَ	تَبْكِي؟!	«عارف» و «والد»: اسم فاعل
پس	پرسید	عارف	از پدرش	با تعجب	ای	پدرم	چرا	گریه می کنی	مُتَعَجِّبًا: حال
پس عارف با تعجب از پدرش پرسید: ای پدرم! چرا گریه می کنی؟									
لِمَ: مُخَفَّف «لِ» + «مَا» (استفهامی) = (لماذا)									
سَأَلَ: ماضی مجزَد / تَبْكِي: مضارع مجزَد									

أَلَا بُنَيَّ: حِينَئِذَا أَزَى النَّاسُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمُرُّ أُمَامِي ذِكْرِيَاتِي؛	أَزَى: مضارع مجرّد (متكلّم وحده)
پدر: هنگامی که می بینم مردم [را] می روند به حج می گذرد مقابلم خاطراتم	يَذْهَبُونَ: مضارع مجرّد
پدر: وقتی مردم را می بینم که به حج می روند، خاطراتم را مقابلم (مقابل چشمانم) می بینم.	تَمُرُّ: مضارع مجرّد (از ریشه «م ر ر»)

فَ	أَقُولُ	فِي نَفْسِي:	يَا لَيْتَنِي	أَذْهَبُ	مَرَّةً	أُخْرَى!
پس	می گویم	با خودم	ای کاش من	بروم	یک بار	دیگر
پس با خودم می گویم: ای کاش یک بار دیگر بروم!						

«أَقُولُ» و «أَذْهَبُ»: مضارع مجزء (متكلم وحده)

أُخْرَى: اسم تفضيل (فعلی)

رُقِيَّةٌ: وَلَكِنَّكَ أَذَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي!	لَكِنَّ: حرف مشبهة بالفعل								
رُقِيَّة: ولی تو	انجام دادی	عمل واجب	حج	در	سال	گذشته	همراه	مادرم	أَذَيْتَ: ماضی مزید از باب تفعیل
رُقِيَّة: ولی تو، سال گذشته همراه مادرم فریضه حج را به جا آوردی (انجام دادی).									
ماضي = فاعلي (اسم فاعل)									

الأم:	لقد اشتاق	أبوكم	إلى	الحرمين	الشريقتين	و	البقيع	الشريف.
مادر:	مشتاق شده است	پدرتان	به	دو حرم	شریف	و	[قبرستان] بقیع	شریف

مادر: پدرتان به حرمین شریفین (دو حرم شریف) و [قبرستان] بقیع شریف مشتاق شده است.

اشتاق: ماضی مزید از باب إفتعال
 قَدْ + ماضی = ماضی نقلی

عَارِفٌ: اَ أَنْتِ مُشْتَأَقَةٌ أَيْضًا يَا أُمَامَةُ؟ أَلَا نَمُ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بَنِي.	عارف: اسم فاعل
عارف: آیا تو مشتاق هستی؟ هم چنین ای مادرم مادر: بله البته (قطعاً) ای پسرکم تأکید: مصدر باب تفعیل	
عارف: ای مادرم آیا تو نیز مشتاق هستی؟ مادر: بله، البته (قطعاً) ای پسرکم!	

پدر:	هر	مسلمانی	هنگامی که	می بیند	این	صحنه [را]	مشتاق می شود	به آن	مَشْهَدٌ: اسم مکان (مفعول)
پدر: هنگامی که هر مسلمانی این صحنه را می بیند مشتاق آن می شود (به زیارت آن اشتیاق پیدا می کند).									

[ترجمه متن: آقای مسلمی، کشاورز است. او در روستای «بطرود» در استان مازندران زندگی می‌کند. او مردی راستگو و بسیار صبور و مورد احترام است. در روزی از روزها گروهی از مسافران را دید، که مقابل مسجد روستا ایستاده بودند. پس رفت و از آنان درباره علت ایستادشان پرسید، گفتند: خودروی ما خراب شده است. آقای مسلمی با دوستش، تعمیرکار خودرو تماس گرفت تا خودروی آن‌ها را تعمیر کند. دوستش آمد و خودروی آن‌ها را با تراکتور کشید و آن را به تعمیرگاه خودرو برد.]

(ب) ما مِهْنَةُ صَدِيقِ السَّيِّدِ مُسْلِمِي؟ (شغل دوست آقای مسلمی چیست؟) ☐ هُوَ مُصْلِحُ السَّيَّارَاتِ. (او تعمیرکار خودرو است.)

(ج) كَمْ جَارًا وَ مَجْرورًا فِي النَّصِّ؟ (چند جار و مجرور در متن است؟) ☐ تِسْعَةً (نه عدد جار و مجرور)

(د) أَيْنَ يَعِيشُ السَّيِّدُ مُسْلِمِي؟ (آقای مسلمی کجا زندگی می کند؟) ☐ فِي قَرْيَةٍ «بَطْرود» بِمُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَان. (در روستای «بطرود» در استان مازندران)

(ه) أَكْتُبُ مَفْرَدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ. (مفرد این کلمات را بنویس.)

سَادَةُ (آقایان): ☐ سَيِّد (آقا) قُرَى (روستاها): ☐ قَرْيَةٍ (روستا)

رِجَال (مردان): ☐ رَجُل (مرد) أَيَّام (روزها): ☐ يَوْم (روز)

سَيَّارَات (خودروها): ☐ سَيَّارَةٌ (خودرو) مُصْلِحُونَ (تعمیرکاران): ☐ مُصْلِح (تعمیرکار)

أَصْدِقَاء (دوستان): ☐ صَدِيق (دوست) مَوَاقِف (ایستگاهها): ☐ مَوْقِف (ایستگاه)

جَزَارَات (تراکتورها): ☐ جَزَارَةٌ (تراکتور) جَمَاعَات (گروهها): ☐ جَمَاعَةٌ (گروه)

التمرين الثاني عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ، مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ. (در هر مجموعه، کلمه ناآشنا و بیگانه را با بیان علت مشخص کن.)

۱- ☐ الْأَصْدِقَاء ☐ الْأَجْبَاء ☐ الْأَقْرَبَاء ☒ الْأَزْبِيعَاء

☐ «الْأَزْبِيعَاء» چهارشنبه یکی از روزهای هفته و یک اسم «مفرد» است. سایر گزینهها در مورد انسان است (دوستان - دوستان - نزدیکان) و «جمع مکسر» به شمار میروند.

۲- ☐ الْأَطِين ☒ الْمِلَف ☐ التُّرَاب ☐ الْحَجَر

☐ «الْمِلَف» پرونده؛ سایر گزینهها مربوط به طبیعت است. (گل - خاک - سنگ)

۳- ☐ الْأَعْيُن ☐ الْأَكْتَف ☒ الْفَأْس ☐ الْأَشْنَان

☐ «الْفَأْس» تبر؛ سایر گزینهها مربوط به اعضای بدن است. (چشمها - شانهها - دندانها)

۴- ☐ الْأُغْرَاب ☐ الْغُصْفُور ☐ الْحَمَامَةُ ☒ الْمَائِدَةُ

☐ «الْمَائِدَةُ» سفره؛ سایر گزینهها مربوط به پرندگان است. (کلاغ - گنجشک - کبوتر)

۵- ☐ الْأَعْظَم ☐ اللَّحْم ☒ الْعَام ☐ الْأَذَم

☐ «الْعَام» سال؛ سایر گزینهها مربوط به بدن است. (استخوان - گوشت - خون)

۶- ☒ الْأَخْيَام ☐ أَمْسِي ☐ غَدَا ☐ الْيَوْم

☐ «الْأَخْيَام» چادرها؛ سایر گزینهها مربوط به روزها است. (دیروز - فردا - امروز)

التمرين الثالث أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده است، بنویس.)

۱- ﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۰۱ «پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا فرما.»

☐ مفعول مفعول به حرف جرّ

۲- ﴿... جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ...﴾ الْإِسْرَاءُ: ۸۱ «حق آمد و باطل نابود شد.»

☐ فاعل فاعل

۳- ﴿وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۴۵ «از بردباری و نماز یاری بجوید.»

☐ مفعول به حرف جرّ

۴- ﴿... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ الْمَائِدَةُ: ۵۶ «بی گمان حزب خدا چیره شدگان اند.»

☐ مضاف الیه

۵- ﴿... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۸۵ «هر کسی چشنده مرگ است.»

☐ مبتدا مفعول

التمرين الرابع أَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ التَّمَارِينِ.

(از کلمات متن درس و تمرین، کلمه مناسبی برای توضیحات زیر بنویس.)

۱- ابْنِي الصَّغِيرُ. پسر کوچکم ☐ بَنَيْ (پسرکم)

۲- ابْنَتِي الصَّغِيرَةُ. دختر کوچکم ☐ بَنَيْتِي (دخترکم)

۳- أَعْلَى الْجَبَلِ وَ رَأْسُهُ. بالای کوه و نوک آن ☐ الْقِمَّةُ (قله)

۴- مَكَانٌ وَ قُوفِ السَّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ. محل توقف خودروها و اتوبوسها ☐ الْمَوْقِف (ایستگاه)

۵- سَيَّارَةٌ نَسْتَعْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَرْزَعَةِ. خودرویی که از آن برای کار در مزرعه استفاده می کنیم. ☐ الْجَزَارَةُ (تراکتور)

۶- صِفَةٌ لِجِهَازٍ أَوْ آلَةٍ أَوْ أَدَاةٍ بِحَاجَةٍ إِلَى التَّضْلِيلِ. صفتی برای دستگاه یا ابزار یا وسیلهای که نیاز به تعمیر دارد. ☐ الْمَعْطَلَةُ (خراب)

الْتَّمِرِينَ السَّابِعَ عَيْنَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، مشخص کن.)

۱- مُدَارَاةُ النَّاسِ يَصِفُ الْإِيمَانَ: مُدَارَاةُ كَرْدَن با مردم، نیمی از ایمان است.

مبتدا مضاف الیه فیر مضاف الیه

۲- عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ: یک دشمن دانا بهتر از یک دوست نادان است.

مبتدا صفت فیر مبرور به حرف جر صفت

۳- يَا حَبِيبِي، لَا تَقُلْ كَلَامًا إِلَّا الْحَقَّ أَبَدًا: ای دوست من! هرگز سخنی جز [سخن] حق مگو.

مفعول مستثنی

۴- أَلَعَلَّمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ: دانش در خردسالی مانند کنده کاری در سنگ است. [النَّقْش: کنده کاری، حکاکی]

فیر مبرور به حرف جر

۵- أَضَعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعَفَ عَنْ كَيْمَانٍ سِرَّهِ = سِرِّ (مضاف الیه) + ه (مضاف الیه): ناتوان ترین مردم کسی است که از پوشاندن راز خود ناتوان باشد.

مبتدا مضاف الیه مبرور به حرف جر مضاف الیه

الْتَّمِرِينَ الْكَامِنَ: ابْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي مَا يَلِي. (در آن چه می آید (در عبارات های زیر)، به دنبال اسم های زیر بگرد.)

(اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة و اسم التفضيل و اسم المكان)

۱- ﴿... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...﴾ یوسف: ۵۳ «... زیرا نفس، بسیار امرکننده به بدی است ...»

اسم مبالغه

۲- إِعْلَمَ بَأَنَّ خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ. بدان که بهترین برادران (دوستان)، قدیمی ترین آن هاست.

اسم تفضيل اسم تفضيل

۳- أَكْبَرُ الْخُمُقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ. بزرگ ترین حماقت (آبله‌ی)، زیاده زوی در ستایش و نکوهش است.

اسم تفضيل

۴- طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. درخواست نیاز از نااهلش، سخت تر از مرگ است.

اسم تفضيل

۵- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مَعْلَمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. برای پدر و آموزگار از جای خود برخیز؛ هر چند فرمانده باشی.

اسم مکان اسم فاعل

[مَجْلِس: جای نشستن، محل نشستن]

۶- يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ. روز عدل بر ستمگر سخت تر (شدیدتر) از روز ستم بر ستمدیده است.

اسم فاعل اسم مفعول

سؤال های امتحانی

سؤال های ترجمه محور

۱- تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ:

(الف) هَذَا الْعَمَلُ أَمْتَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْكِتَابِ.

(ب) وُلِدَ فِي أَسْوَانٍ وَ نَشَأَ فِيهَا.

(ج) التَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكُتُبِ.

(د) عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

(ه) هُوَ وَائِقٌ أَنْكَ تُشَبِّهَ الْآخِرِينَ.

(و) الْعَقَادُ صَحْفِيٌّ وَ شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ.

۲- عَيْنِ الْمَتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِّفِ:

(الف) وَائِقٌ - يَرِخُصٌ - مَطْمَئِنٌ - يَغْلُو

(ب) يَصْغُرُ - زَادَ - أَضَافَ - يَكْبُرُ

۳- عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ:

الْعَشُّ

الطَّائِرُ

الْفُنْدُقُ

الْفِرَاحُ

(نهایی فرداد ۱۴۰۰)

۴-

(الف) أَكْتُبُ جَمْعَ الْكَلِمَةِ: الظَّرْفُ جمع

(ب) أَكْتُبُ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ: هُوَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتُبِ فِي مِصْرَ.

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

(نهایی فرداد ۹۸)

۸- تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ:

(الف) انْتَقَلَ: جابه جا شد

(۱) يا رجال، رجاءً انْتَقِلُوا.....

(ب) أَرْسَلَ (فرستاد)

(۱) ما أَرْسَلَ.....

(ج) سَاعَدَ: کمک کرد

(۱) لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ..... (۲) هُمْ لَمْ يَسَاعِدُوا.....

(د) نَجَحَ: موفق شد

(۱) لَيَنْجَحَ (.....) (۲) سَوْفَ يَنْجَحُ (.....)

(ه) تَكَلَّمَ: سخن گفت

(۱) مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الامْتِحَانِ يَخْشَرُ.....

(و) اجْتَهَدَ (تلاش کرد)

(۱) لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ..... (۲) هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ.....

۹- تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ وَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

(الف) شَاهَدَ (دید)

(۱) لَمْ يَشَاهِدْ شَيْئاً.....

(ب) حَفِظَ (حفظ کرد)

(۱) قَدْ حَفِظَنِي إِيْمَانِي.....

۱۰- تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. [ترجمه براساس ساختار کلمه]

(الف) (۱) الْعَابِدُونَ يَسْتَعِينُونَ بِالضَّبْرِ.

(ب) (۱) أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ.

(ج) جَعَلْتُ اللَّحْمَ الْمَطْبُوعَ عَلَى الْمِنْصَدَةِ.

(د) (۱) ﴿... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...﴾

(۲) الْأَنْبِيَاءُ هُمْ الْمُرْسَلُونَ.

(۲) أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْغَرِيبَةِ مِئَةَ كِتَابٍ.

(۲) أَضَعَفَ النَّاسُ مَنْ ضَعَفَ عَنْ كِتْمَانِ بِرِّهِ.

سؤال های قاعده محور



۱۱- مَيِّزِ الْمُسْتَثْنَى وَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ:

(الف) كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.

(ب) قرأت الكتاب إلا مصادره.

(ج) اشتریت الفواکي إلا الأناناس.

(د) حضر الطلاب في صالة الامتحان إلا حامداً.

(ه) ما فاز أحد إلا الصادق.

(و) لا تعلم زميلاتي اللغة الفرنسية إلا عطية.

(ز) حل الطلاب المسائل إلا علياً.

۱۲- مَيِّزْ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ:

۱- (الف) ما حفظ القصيدة إلا كاظم.

۲- (الف) حضر الزملاء في صالة الامتحان إلا كاظمأ.

۳- (الف) ﴿ لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون ﴾

۴- (الف) لا نشاهد في حياته إلا النشاط.

۵- (الف) لا يستطيع صعوده إلا الأقوياء.

۶- (الف) حل الطلاب مسائل الرياضيات إلا مسألة.

۱۳- مَيِّزِ الصِّفَةَ وَ الْفَاعِلَ:

يَسْتَعْلِلُ الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْمَزْرَعَةِ.

۱۴- عَيِّنْ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ:

(الف) اسم التفضيل، اسم المكان:

فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ.

(۲) هُمْ سَيَنْتَقِلُونَ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ..... (نهایی دی ۹۸)

(۳) لَيُرْسِلُ..... (نهایی دی ۹۹)

(۳) رجاءاً سَاعِدْنِي..... (نهایی دی ۱۴۰۰)

(۲) إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ..... (نهایی شهریور ۹۸)

(۲) إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ..... (نهایی فرورد ۹۸)

(۳) مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا..... (نهایی فرورد ۹۹ و فرورد ۱۴۰۰)

(۲) رجاءاً شاهدوا..... (۳) المُشَاهِد.....

(۲) كانوا يحفظون درسههم..... (۳) المحفوظ.....

(۲) الأنبياء هم المرسلون. (نهایی دی ۹۸)

(۲) أضاف إلى المكتبة الغربية مئة كتاب. (نهایی دی ۹۹)

(۲) أضعف الناس من ضعف عن كتمان بربه. (نهایی فرورد ۹۸)

(۲) أضعف الناس من ضعف عن كتمان بربه. (نهایی فرورد ۹۹)

(نهایی دی ۹۷ و شهریور ۹۹)

(نهایی دی ۹۸)

(نهایی فرورد ۹۸ و دی ۹۹)

(نهایی دی ۱۴۰۰)

(نهایی شهریور ۹۸)

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

(نهایی فرورد ۹۹)

(ب) يُغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا الشَّرَكَ بِاللَّهِ. (نهایی دی ۹۷)

(ب) ما شاهدت في المكتبة إلا كاظمأ. (نهایی شهریور ۹۸ و دی ۹۹)

(ب) حل الطلاب مسائل الرياضيات إلا مسألة. (نهایی شهریور ۹۹ و شهریور ۱۴۰۰)

(ب) ما طالع ليلة الامتحان كتاباً إلا كتاب العربية. (نهایی فرورد ۹۸)

(ب) لا تعلم زميلاتي اللغة الفرنسية إلا عطية. (نهایی فرورد ۹۹)

(ب) ما فاز إلا الصادق. (نهایی فرورد ۱۴۰۰)

(نهایی شهریور ۹۹)

(نهایی دی ۹۷، شهریور ۹۸، فرورد ۹۹ و شهریور ۱۴۰۰)

(نهایی فرورد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰، دی ۹۷ و شهریور ۹۸)

(۱) ☐ إِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ

(۲) ☐ إِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، إِسْمٌ مَبَالِغَةٌ / صِفَةٌ

۱۷- عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يَنَابِسُ الْأَفْعَالَ الْآخَرَى فِي النَّوعِ أَوْ الْمَعْنَى:

- (الف) ☐ لِيَكْتُبُوا ☐ أَنْ يَذْهَبُوا ☐ لَنْ يَزِجْعُوا ☐ كَيْ يَجْلِسُوا
(ب) ☐ لَا تَفْتَحْ ☐ لَا تُقَاتِلْ ☐ لَا يُتَّقُونَ ☐ لَا أُصَدِّقْ

۱۸- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ:

- (الف) فِعْلُ الْأَمْرِ: ☐ أَذْهَبْ ☐ أَكْتُبُوا ☐ قَاتِلُوا
(ب) فِعْلُ النَّهْيِ: ☐ لَا تَزِجْعُونَ ☐ لَا أَذْرُسْ ☐ لَا تَكْذِبُوا
(ج) الْمُضَارِعُ الْإِخْبَارِيُّ الْمُنْفِي (فِي الْفَارِسِيَّةِ): ☐ لَا يَمْرُونَ ☐ لَا تَكْأَسُوا ☐ لَمْ يَجْتَهِدُوا
(د) الْمُضَارِعُ الْإِتِّزَامِيُّ (فِي الْفَارِسِيَّةِ): ☐ حَتَّى تَذْهَبَ ☐ لَنْ نَكْتُبَ ☐ لَا يَسْتَمِعُ
(هـ) الْفِعْلُ الْمُسْتَقْبَلُ الْمُنْفِي (فِي الْفَارِسِيَّةِ): ☐ سَنَنْصِلُ ☐ مَا قَتَلُوا ☐ لَنْ نَسْمَعُوا

۳ سؤال های فهم و درک مطلب

۱۹- مِيزِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ:

- (الف) لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ.
(ب) مَنْ سَعَى رَعَى، وَ مَنْ لَزِمَ الْقَنَامَ رَأَى الْأَخْلَامَ.
(ج) مَدَّ رِجْلَكَ عَلَى قَدْرِ كِسَائِكَ.
(د) هَر كِه زَوْد چَرَد و هَر كِه حُسَبْد خَوَاب بِيِنْد.
(هـ) پَايت را به اندازۀ گليمت دراز كن.
(و) هَر آن چيز كَانت نيايد پسند / تن دوست و دشمن بدان درمبند

۲۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (الف) عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرَفُ الْإِخْوَانُ.
(ب) الْخَفَاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الَّذِي لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.

۲۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

الازدحام - علم - بينما - الإنفاق - الدَّارِجَةُ

(نهایی شهریور ۱۳۰۰)

(نهایی فرورد ۹۸)

(نهایی دی ۹۹، شهریور ۱۳۰۰ و دی ۱۳۰۰)

(نهایی فرورد ۹۸ و دی ۱۳۰۰)

(نهایی شهریور ۹۸)

(نهایی شهریور ۹۸)

(نهایی فرورد ۱۳۰۰)

(نهایی فرورد ۹۸ و شهریور ۹۸)

(الف) رَفَعَتِ الْفَائِزَةُ الْأَوَّلَى فِي الْمُبَارَاةِ إِيْرَانِ.

(ب) لَوْ لَا الشَّرْطِيُّ لَأَسْتَدَّ أَمَامَ الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ.

(ج) تَلَفَّظَ «گ» وَ «پ» مَوْجُودٌ فِي اللَّهْجَاتِ كَثِيرًا.

(د) كُنْتُ أَمْشِي، رَأَيْتُ حَادِثًا فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ.

(هـ) يَنْقُضُ كُلُّ شَيْءٍ بِ- إِلَّا الْعِلْمَ.

۲۲- اقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى الْخَجَاجِ إِذْ جَاءَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ فَطَافَ بِالْبَيْتِ، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا، فَاسْتَلَمَهُ بِسَهْوَةٍ. طَافَ هِشَامٌ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ فَنَصَبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ.

(الف) كَيْفَ اسْتَلَمَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ الْبَيْتَ؟

(ب) أَكْتُبْ جَمْعَ «الْبَيْتِ».

(ج) لِمَاذَا لَمْ يَقْدِرْ هِشَامٌ أَنْ يَسْتَلِمَ الْحَجَرَ؟

(د) مَاذَا نُصِبَ لَهُشَامٌ؟

۲۳- اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

يُوجَدُ السَّمَكُ الْمُدْفُونُ فِي إِفْرِيقِيَا. هَذَا السَّمَكُ يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَّةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ، وَ لَا يَخْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ وَ الطَّعَامِ وَ الْهَوَاءِ احْتِيَاجَ الْأَحْيَاءِ؛ وَ يَعِيشُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نَزُولِ الْمَطَرِ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْغِلَافِ خُرُوجًا عَجِيبًا. يَذْهَبُ الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَائِهِ قَبْلَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ يَحْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَفَافَ لِيَصِيدَهُ.

(۱) أَيْنَ يُوجَدُ السَّمَكُ الْمُدْفُونُ وَ مَتَى يَسْتُرُ نَفْسَهُ؟

(۲) مَاذَا يَفْعَلُ هَذَا السَّمَكُ بَعْدَ أَنْ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ؟

(۳) مَتَى يَصِيدُهُ الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ؟

(۴) عَيْنَ فِعْلًا مَجْهُولًا مِنَ النَّصِّ.

۱- کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.

الف) نافرمانی کرد (ب) بزرگان

۲- الف) متضاد و مترادف را مشخص کن.

اختفاء (پنهان شدن) ➡ ظهور (آشکار شدن)

الطعام (غذا) ➡ الغداء (غذا)

يَقْدِرُ (می‌تواند) ➡ يَسْتَطِيعُ (می‌تواند)

أَعَانَ (یاری کرد) ➡ نَصَرَ (یاری کرد)

ب) مترادف یا متضاد هر کلمه را در برابر آن بنویس.

الف) جَهْرٌ بِـ ➡ أَظْهَرَ (آشکار کرد) سَنَةٌ ➡ عام (سال)

يَسْتَطِيعُ ➡ يَقْدِرُ (می‌تواند)

ب) أَلْبَاقُ (سودرساننده) ➡ أَلْبَائِرُ (زبان‌رساننده)

ذَهَبٌ بِـ (بُرد) ➡ جَاءَ بِـ (آورد)

۳- کلمه غریب و ناهم‌هنگ را مشخص کن.

الثراب: خاک (سایر کلمات مربوط به پوشش و لباس هستند؛ جامه، لباس)

۴- الف) جمع کلمه را بنویس.

الفُقراء (نیازمندان)

ب) مفرد یا جمع اسم‌های زیر را بنویس.

الف) أَلْكَبِيرُ جمع ➡ أَلْكِبَارُ (بزرگان) ب) أَلْجَوَائِزُ مفرد ➡ أَلْجَائِزَةُ (جایزه)

ج) أَلْخُجَّاجُ مفرد ➡ أَلْحَاجُ (حاجی)

۵- عبارت‌ها را به فارسی ترجمه کن.

الف) هشام ترسید از این که اهل شام او را بشناسند و به او مانند محبتان (عاشقان) علاقه‌مند شوند.

ب) نهنگ برای استخراج روغن از کبدش برای (در) ساخت مواد آرایشی شکار می‌شود.

ج) صیادان آفریقایی خاک خشک را برای صید ماهی حفر می‌کنند.

د) هشام مردم را می‌نگریست، در حالی که جماعتی از بزرگان شام به همراهش بودند.

ه) تعداد مورچه‌ها در جهان تقریباً یک میلیون برابر تعداد افراد بشر است.

و) و این گفته تو که «این کیست؟» زبان‌رساننده به او نیست. عرب و غیر عرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند.

ز) فرزددق در منطقه‌ای در کویت کنونی متولد شد و در بصره زندگی کرد.

ح) هنگامی که به حجرالاسود رسید مردم به کناری رفتند و آن را (حجرالاسود) به آسانی مسح کرد.

ط) نوعی از ماهی خودش را زیر گل دفن می‌کند.

ی) مغول‌ها توانستند با وجود ساخت دیوار بزرگی اطراف چین به آن حمله کنند.

ک) اندازه خرس پاندا به هنگام تولد کوچک‌تر از موش است.

ل) این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد.

م) فرزددق خلفای بنی‌امیه را ستایش (مدح) کرد و به جایزه‌هایشان دست یافت.

ن) مردی گفت: این کیست که مردم به او اجازه دادند (داده‌اند) که حجرالاسود را مسح (لمس) کند؟!

س) زرافه لال است و تارهای صوتی ندارد.

ع) این ماهی بیشتر از یک سال به خواب عمیقی فرومی‌رود. (به گونه‌ای عمیق می‌خوابد.)

ف) این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک‌پاکیزه بزرگ قوم است.

ص) قطعاً قرآن را به او آموزش داد، و فرزددق نزد خلفای بنی‌امیه در شام رفت.

۶- ترجمه درست را انتخاب کن.

الف) گزینه «۱»؛ «أَصْبَرَ» به همراه صفت، مفعول مطلق نوعی است، ولی در گزینه «۲» به صورت تأکیدی ترجمه شده است.

ب) گزینه «۲»؛ «أَوْلَادُهَا» فرزندان / اجتهاداً بالغاً؛ بسیار

ج) گزینه «۲»؛ «أَزْ» کلمه «مانند» برای ترجمه مفعول مطلق به همراه مضاف‌الیه استفاده می‌شود.

د) گزینه «۱»؛ «تَنْزِيلاً» مفعول مطلق تأکیدی است و «نَزَلَ» فعل مجهول است.

ه) گزینه «۱»؛ «مَفْعُولُ مَطْلُوقٍ + مَضَافُالِيهِ = مانند + ترجمه مضاف‌الیه

و) گزینه «۲»؛ «كَانَ + مُضَارِعٌ = ماضی استمراری

ز) گزینه «۲»؛ «جَاءَ + بِ = آورد

ح) گزینه «۱»؛ «أَذْكُرُوا» یاد کنید ➡ فعل امر است نه ماضی.

ط) گزینه «۲»؛ «اجْتِهَاداً» مفعول مطلق تأکیدی است. (بی‌گمان / اولادها: فرزندان

۷- جاهای خالی را در ترجمه کامل کن:

الف) نتوانست - لمس (مسح) کند / ب) سختی‌ها - شناخته می‌شوند

ج) نصب شد - مانند / د) دوستدار (عاشق و مُحِبٌّ) - پنهان می‌کرد

۸- الف) کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.

جَبَّارٌ: ستمکار

ب) درست را مشخص کن.

نَزَلَ: فرود آورده شدند (فعل ماضی و مجهول)

۹- فعل‌ها و کلمات زیر را ترجمه کن.

الف) ۱- نزدیک نخواهد شد ۲- نزدیک نشوید

۳- نزدیک می‌شد

ب) ۱- بازنشسته شده بود ۲- بازنشسته نمی‌شوی

۳- بازنشسته می‌شویم ۴- بازنشسته خواهید شد

ج) ۱- همنشینی نکنید ۲- همنشینی نخواهد کرد

د) ۱- خودداری کرده بود ۲- خودداری نکنید

۳- خودداری نمی‌کنند ۴- خودداری کردن

ه) ۱- بسیار پوشاننده ۲- پوشانده بود ۳- نپوشاند

۱۰- مفعول مطلق و نوع آن را تشخیص بده.

الف) ضَبْرًا: مفعول مطلق تأکیدی

ب) تَنْزِيلاً: مفعول مطلق تأکیدی

ج) رَغْبَةً: مفعول مطلق نوعی (به همراه مضاف‌الیه: الْمُحِبِّينَ)

د) طَوَافٌ: مفعول مطلق نوعی (به همراه مضاف‌الیه: الْأَعَاظِمُ)

ه) احتیاجاً: مفعول مطلق تأکیدی

و) جُلُوسٌ: مفعول مطلق نوعی (به همراه مضاف‌الیه: الْأُمَرَاءُ)

۱۱- الف) در عبارت‌ها: ۱- مفعول مطلق، ۲- نوع آن، ۳- صفت، ۴- مفعول

را تشخیص بده.

صبراً: مفعول مطلق نوعی - جمیلاً: صفت - القرآن: مفعول



معانی حروف مشبّهة بالفعل ولای نفی جنس

حروف مشبّهة بالفعل

به حروفی مانند «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبّهة بالفعل گفته می‌شود. این حروف بر سر جمله اسمیه (مبتدا + خبر) می‌آیند و اعراب مبتدا را از «مرفوع» به «منصوب» تغییر می‌دهند. اینک به کارکرد و ترجمه آن‌ها دقت کنید:

- إِنَّ:** قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان — **تأکیدکننده کل جمله پس از خود**
مثال: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ: بی‌گمان خداوند گناهان را می‌آمرزد.
أَنَّ: که — **پیونددهنده دو جمله** **مثال:** عَلِمْتُ أَنَّ خَسَنًا مَرِيضٌ: دانستم که حسن مریض است.
كَأَنَّ: گویی، مانند — **تشبیه‌کننده** **مثال:** كَأَنَّ الْفَرَّاشَةَ زَهْرَةً: گویی پروانه، گل است. **۲** پروانه مانند گل است.
لَيْتَ: ولی — **کامل کردن پیام / برطرف‌کننده ابهام** **مثال:** قَدْ اسْتَيْقِظَ مُحَمَّدٌ، لَكِنَّهُ مَرِيضٌ: محمد از خواب برخاسته است، ولی او بیمار است.
لَيْتَ: کاش — **بیانگر آرزو** **مثال:** لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ يَوْمًا: کاش روزی جوانی برگردد!
لَعَلَّ: شاید؛ امید است — **بیانگر «احتمال» یا «امید»** **مثال:** لَعَلَّ اللَّهَ يَغْفِرُ ذُنُوبَنَا: امید است (شاید) خداوند گناهانمان را ببخشد.

معانی حروف
مشبّهة بالفعل

نکته

- ۱** «فعل مضارع» پس از «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.
مثال: لَعَلَّ عَلِيًّا يَسَافِرُ: شاید علی سفر کند. **فعل مضارع**
ب لَيْتَ أَخِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ: کاش برادرم در مسابقه برنده شود. **فعل مضارع**
۲ «فعل ماضی» پس از «لَيْتَ» به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می‌شود. (اغلب «ماضی استمراری»)
مثال: لَيْتَ صَدِيقِي ابْتَعَدَ عَنِ الْكُسَلِ: کاش دوستم از تنبلی دوری می‌کرد (دوری کرده بود). **ماضی استمراری**

لای نفی جنس

- این «لا» فقط بر سر «اسم» می‌آید (نه بر سر فعل)!
 فرمول: لا + اسم فته‌دار «ـه» + در ترجمه نیست.
مثال: لا مِيرَاتٍ كَالْأَدَبِ: هیچ میراثی مانند ادب نیست. **اسم فته‌دار** **نکره**

نکته

اسم فته‌دار پس از «لا» در زبان فارسی به شکل «نکره» ترجمه می‌شود!

- ۱- لا** پاسخ منفی (در پاسخ به سؤال «هَلْ» یا «أَلَا»): **مثال:** هَلْ أَنْتَ طَالِبٌ؟ لا، أَنَا مُعَلِّمٌ. آیا تو دانش‌آموز هستی؟ نه، من معلمم.
۲- لا لای نفی مضارع (برای منفی کردن فعل مضارع): **مثال:** لا أَذْهَبُ الْيَوْمَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. امروز به مدرسه نمی‌روم.
۳- لا لای نهی (برای ساختن «فعل نهی» که آخر فعل مضارع را تغییر می‌دهد، به‌جز جمع‌های مؤنث را).
مثال: لا تَأْكُلْ هَذِهِ الْفَاكِهَةَ الْمُلَوَّنَةَ. این میوه آلوده را نخور.
انواع لا
نکته: لای نهی در صیغه‌های «غایب» و «متکلم» به صورت «نباید» ترجمه می‌شود.
مثال: لا يَأْكُلْ مُحَمَّدٌ هَذِهِ الْفَاكِهَةَ الْمُلَوَّنَةَ. محمد نباید این میوه آلوده را بخورد.
۴- لا لای نفی جنس (لا + اسم فته‌دار «ـه» بدون «ال» و «تنوین»): **مثال:** لا كَنْزٌ أَنْفَعُ مِنَ الْقَنَاعَةِ. هیچ گنجی سودمندتر از قناعت نیست.

مشاوره شب امتحان

دوستان عزیز، سلام

امتحان پایانی نوبت اول عربی دوازدهم مربوط به درس‌های اول و دوم است. سؤالات معمولاً به پنج گروه کلی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

الف) مهارت‌واژه‌شناسی (۲ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل چهار سؤال فرعی است:

۱- ترجمه کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است؛ این کلمات در قالب جمله یا عبارت آورده می‌شود. (۱ نمره)

۲- نوشتن کلمات مترادف یا متضاد: در این نوع از سؤالات، چند کلمه داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود که از میان آن‌ها، کلمات مترادف و متضاد را مشخص کرده و بنویسید. (۵/۵ نمره)

۳- مشخص کردن کلمه ناهماهنگ از نظر معنا: معمولاً دو ردیف چهارکلمه‌ای داده می‌شود که در هر ردیف، یک کلمه از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است که باید آن‌ها را مشخص کنید. نوشتن مفرد یا جمع کلمات: در این سؤال، دو کلمه داده می‌شود که در یکی جمع آن کلمه و در دیگری، مفرد آن از شما خواسته می‌شود. (۵/۵ نمره)

ب) مهارت ترجمه به فارسی (۹ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل سه سؤال فرعی است:

۱- ترجمه جملات: در این سؤال چند جمله داده می‌شود و ترجمه آن‌ها از شما خواسته می‌شود. (۵/۷ نمره)

۲- انتخاب ترجمه درست: در این سؤال معمولاً دو جمله دو یا سه‌گزینه‌ای داده می‌شود که شما باید براساس قواعد ترجمه، گزینه درست را انتخاب کنید. (۵/۵ نمره)

۳- کامل کردن جاهای خالی در ترجمه فارسی: در این سؤال معمولاً ۳-۴ جمله به همراه ترجمه ناقص داده می‌شود که شما باید با توجه به جمله عربی، جاهای خالی در ترجمه را پر کرده و ترجمه را کامل نمایید. (۱ نمره)

ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷ نمره)

در این گروه از سؤالات معمولاً از ترجمه افعال در جملات، تشخیص فعل مناسب برای جای خالی، تشخیص نوع فعل در هر عبارت و به طور کلی برخی از مباحث سال‌های قبل مانند تشخیص اسم تفضیل، اسم فاعل، اسم مفعول و یا اسم مبالغه، مبحث اعداد و ... و نیز قواعد درس اول و دوم دوازدهم شامل حروف مشبّهة بالفعل، لای نفی جنس، حال و شاید در برخی موارد از مرجع حال (صاحب حال) و تجزیه و ترکیب (التحلیل الصرفی و المحل الإعرابی) سؤال طراحی می‌شود!

د) مهارت درک و فهم (۲ نمره)

در این گروه از سؤالات، معمولاً دو گونه سؤال طراحی می‌شود:

۱- سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم، (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافی است و شش جمله با جای خالی می‌دهند که باید با کلمه مناسب کامل شود.» یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤالات سه یا چهارگزینه‌ای)

۲- درک مطلب (ارائه متن و طراحی چند سوال با کلمات پرسشی خوانده شده) یا (ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست بودن آن‌ها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)

و یا هرگونه سؤال دیگری که مهارت درک و فهم شما را بسنجند!

توجه: سؤالات امتحان پایانی نوبت دوم از نظر نوع سؤالات و بارم‌بندی، دقیقاً همانند سؤالات پایانی نوبت اول است؛ با این تفاوت که در امتحانات پایانی نوبت دوم سؤالات از کل کتاب طراحی می‌شود و معمولاً ۵ نمره از سؤالات، اختصاص به سؤالات ترم اول (دروس اول و دوم) دارد و ۱۵ نمره باقی‌مانده از دروس سوم و چهارم طراحی می‌شود!

«نَرْجُو لَكُمْ التَّوْفِيقَ وَ النَّجَاحَ»

نمونه امتحان نیم سال اول		رشته ریاضی فیزیک - علوم تجربی		عربی، زبان قرآن ۳	
ردیف	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه		kheilisabz.com	
مهارت واژه شناسی					
الف	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: ۱- إَسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. ۲- لِكَيْكَ أَذِيَّتٌ فَرِيضَةُ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ.				
ب	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: حَاوَلٌ - أَمَامٌ - اجْتَهَدَ - خَلَفَ - صُعُودٌ ۳- = ۴- ≠				
ج	اُكْتُبْ مُفْرَدَ أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَتَيْنِ: ۵- تَمَائِيلٌ: ۶- حَاجٌ:				
د	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: ۷- شُعْبٌ ☐ قَوْمٌ ☐ ۸- لِسَانٌ ☐ يَدٌ ☐ كَأْسٌ ☐ نَاسٌ ☐ رَجُلٌ ☐ رَجُلٌ ☐				
مهارت ترجمه به فارسی					
هـ	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ بِالْفَارْسِيَةِ: ۹- ﴿... أَقِمَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ ۱۱- لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ. ۱۳- وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَضْغِ مُبْتَسِمًا.				
و	إِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: ۱۴- وَصَلَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى الْقِطَارِ مُتَأَخِّرِينَ. ۱۵- لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. ۱۶- هِيَ جَنجِي بِي نِيزَا كُنْدَه تَرِاز قَنَاعَتِ نِيسَتِ.				
ز	إِمْلَأِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: ۱۶- وَ لَنَذْكُرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. به عنوان مثال، باید از ابراهیم خلیل ☐ که تلاش کرد قومش را از بُت ها ۱۷- كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، يَشْتَأْقِي إِلَيْهِ. مسلمانانی هنگامی که این را می بیند، ۱۸- أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ. ۱۹- هُمْ سَيَرِجَعُونَ غَدًا. ۲۰- أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ! اُكْتُبِينَ دُرُوسَكُنَّ. ۲۱- اَلْتَّلْمِيزُ كَانَ يَذْرُسُ جَيِّدًا. ۲۲- نَحْنُ نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ. ۲۳- لَمْ يَخْرُجِ الطَّلَابُ مِنَ الْمُدْرَسَةِ.				
مهارت شناخت و کاربرد قواعد					
ح	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: ۱۸- أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ. ۲۱- اَلْتَّلْمِيزُ كَانَ يَذْرُسُ جَيِّدًا. ۱۹- هُمْ سَيَرِجَعُونَ غَدًا. ۲۲- نَحْنُ نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ. ۲۰- أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ! اُكْتُبِينَ دُرُوسَكُنَّ. ۲۳- لَمْ يَخْرُجِ الطَّلَابُ مِنَ الْمُدْرَسَةِ.				
ط	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: ۲۴- أَلْبَنَاتُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. ۲۵- الرِّجَالُ كَانُوا فِي الْمَضْغِ أَمْسَ. ۲۶- قَالَ الْمُعَلِّمُ لَنَا: فِي قِرَاءَةِ دُرُوسِكُمْ. ۲۷- يَا زَمِيلِي الْعَزِيزُ! أَلَا ي الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ؟ لَعِبُوا ☐ يَلْعَبْنَ ☐ تَلْعَبْنَ ☐ يَعْمَلُونَ ☐ تَعْمَلُونَ ☐ سَيَعْمَلُونَ ☐ لَا يَتَكَاسَلُونَ ☐ لَا يَتَكَاسَلْنَ ☐ لَا تَتَكَاسَلُوا ☐ تُعَلِّمُ ☐ يُعَلِّمُ ☐ تُعَلِّمُ ☐				
ی	عَيِّنِ فِي الْجُمْلَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ (اِثْنَتَيْنِ): ۲۸- هُوَ مُدَرِّسٌ فِي مَدْرَسَتِنَا. ۲۹- السَّجَّادُ لَقَبُ إِمَامِنَا الرَّابِعِ.				

نمونه امتحان نیم سال دوم	رشته ریاضی فیزیک - علوم تجربی	عربی، زبان قرآن ۳	خبر
ردیف	امتحان شماره ۳	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	نهایی خردادماه ۱۴۰۱ نمره
الف	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً: ۱- ﴿وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾ ۳- كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بما جُعِلَ فيه.	۲- هُوَاْ أَسْمَاكُ الرِّيْنَةِ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ. ۴- الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَالْعَجَمُ.	۱
ب	عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ: الحياة - الجهل - العيش - المدح - الصبر - الذم ۵- = ۶- ≠		۰/۵
ج	عَيِّنِ الكلمة الغريبة: ۷- ☐ المَلْعَب ☐ المدرّسة ☐ الشَّلَال ☐ الموقف ۸- أَكْتُبْ جمع «النَّقْش»:		۰/۵
د	تَرْجِمِ العبارات إلى الفارسيّة: ۹- ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ﴾ ۱۰- كَانَ يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى النَّاسِ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ. ۱۱- حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ أَنْ يَنْقُذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. ۱۲- لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. ۱۳- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ ۱۴- طَافَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعَظِمِ. ۱۵- الْأَعْيُونُ الْإِيرَانِيُونَ رَجَعُوا مِنَ الْمُسَابَقَةِ فَرِحِينَ. ۱۶- كَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِراً فَأَنْشَدَ قَصِيدَةً فِي مَدْحِ الْإِمَامِ ﷺ. ۱۷- رُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَائَتِهِ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ. ۱۸- الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيّاً فِي كُلِّ مَوْضِعٍ.		۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵
هـ	إِنْخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: ۱۹- إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُثُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُثُ فِي الصَّفا. ☐ (۱) كِشْت در باغ می‌روید و بر کوه نمی‌روید. ☐ (۲) كِشْت در دشت می‌روید و بر تخته‌سنگ نمی‌روید. ۲۰- بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. ☐ (۱) بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند. ☐ (۲) بلکه آنان را می‌بینی که تکه گلی آفریدند.		۰/۵
و	كَمِّلِ الْفَرَاجَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: ۲۱- ﴿قَالُوا خَرَقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ گفتند: او را و خدايانان را ۲۲- يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ. شخص بخيل در دنيا فقيران ۲۳- تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ فِي مُحَافَظَةِ أَسْوَانَ. انگلیسی را از در آسوان یاد گرفت.		۱/۵
ز	تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ: ۲۴- تَقَرَّبَ: نزدیک شد (۱) سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. ۲۵- أَرْسَلَ: فرستاد (۱) لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً. ۲۶- اِمْتَنَعَ: خودداری کرد (۱) الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (۲) هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. (۳) لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ. (۲) لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. (۳) هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (۲) مِنْ فَضْلِكَ، اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.		۲

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۴)

الف) کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن:

۱- مراسم (۵/۵)

۲- جای پا، گام (۵/۵)

۳- روزنامه نگار (۵/۵)

۴- که دیدن کنم (زیارت کنم) (۵/۵)

ب) مترادف و متضاد را مشخص کن:

۵- أَعَانَ = نَصَرَ (۵/۵)

۶- تَكْبَرُ ≠ تَصَغَّرُ (۵/۵)

ج) کلمه غریب و بیگانه را مشخص کن:

۷- گزینۀ «۳» الْفُنْدُق (۵/۵)

۸- جمع کلمه را بنویس:

الْفُقَرَاء (۵/۵)

د) آیات و شعرها را به فارسی ترجمه کن:

۹- با یکتاپرستی به دین روی بیاور. (۵/۵)

۱۰- ای ابراهیم! آیا تو این (کار) را با خدایان ما انجام دادی؟ (۵/۵)

۱۱- و این گفته تو که «این کیست؟» زبان رساننده به او نیست. (۵/۵)

۱۲- گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (۵/۷۵)

۱۳- این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک پاکیزه بزرگ قوم است. (۱)

ه) عبارت ها را به فارسی ترجمه کن:

۱۴- ای کاش بار دیگر به حج بروم. (۵/۵)

۱۵- بدن قوی غذای مناسبی برای خود جذب می کند. (۵/۵)

۱۶- هنگامی که به حجرالاسود رسید به آسانی آن را مسح کرد. (۵/۵)

۱۷- آیا غار ثور را که پیامبر ﷺ به آن پناه برد، دیدید؟ (۵/۵)

۱۸- قطعاً قرآن را به او آموزش داد، سپس فرزندی نزد خلفای بنی امیه در شام رفت. (۵/۷۵)

۱۹- در زندگی اش با وجود شرایط سخت و دشواری چیزی به جز فعالیت نمی بینیم (فقط ... می بینیم). (۵/۷۵)

۲۰- هیچ ملتی از ملت های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد. (۵/۷۵)

و) در ترجمه، صحیح را انتخاب کن:

۲۱- گزینۀ «۱» (۵/۵)

۲۲- گزینۀ «۲» (۵/۵)

ز) جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن:

۲۳- قله، عبادت می کرد (۵/۵)

۲۴- ملت ها، هزاران (۵/۵)

ح) فعل ها و کلمات زیر را ترجمه کن:

۲۵- (۱) تلاش نکرد (۵/۵)

(۲) گاهی تلاش می کند (۵/۵)

(۳) تلاش کنید (۵/۵)

۲۶- (۱) بسیار پوشاننده (۵/۵)

(۲) پوشاننده بود (۵/۵)

(۳) نپوشاند (۵/۵)

۲۷- (۱) می نشست (۵/۵)

(۲) خواهند نشست (۵/۵)

(۳) نشست (۵/۵)

ط) ۲۸- در جملات این اسم ها را جست و جو کن (پیدا کن):

(۱) الطالبتان (۵/۵)

(۲) الْمُكْرَمِينَ (۵/۵)

(۳) الطَّبَاخ (۵/۵)

(۴) الْمَلْعَبِ (۵/۵)

(۵) أكثر (۵/۵)

۲۹- کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن:

(۱) نویسنده (۵/۵)

(۲) لذت بخش تر (۵/۵)

ی) جمله ای را که در آن مستثنی منه حذف شده است، مشخص کن:

۳۰- گزینۀ «۲» (۵/۵)

ک) در عبارت ها تشخیص بده: (۱- مفعول مطلق ۲- نوع آن ۳- حال

۴- فعل مجهول ۵- مستثنی)

۳۱- (۱) تکلیماً (۵/۵)

(۲) تأکید (۵/۵)

(۳) حَيًّا (۵/۵)

(۴) نُقِلَ (۵/۵)

(۵) الأدب (۵/۵)

ل) نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، مشخص کن:

۳۲- مفعول - مضافٌ إليه (۵/۵)

۳۳- مبتدا - صفت (۵/۵)

م) برای جای خالی، صحیح را مشخص کن:

۳۴- سُدِّي (۵/۵)

۳۵- الثَّانَوِيَّةُ (۵/۵)

۳۶- العِنَبِ (۵/۵)

۳۷- الإنفاقِ (۵/۵)

ن) متن را بخوان سپس به سؤالات زیر پاسخ بده:

۳۸- لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ. (۵/۵)

۳۹- كَانَ الْفِرْزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْقَصْرِ الْأُمَوِيِّ. (۵/۵)

۴۰- إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا. (۵/۵)

۴۱- تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا. (۵/۵)

س) در تجزیه و ترکیب (نقش)، صحیح را مشخص کن:

۴۲- گزینۀ «۲» (۵/۵)

۴۳- گزینۀ «۱» (۵/۵)